

خاطرات یک داروساز
(جلد اول: نفرین قصر)

ناتسو هیوگا

مترجم: اکرم شکرزاده



خاطرات یک داروساز (جلد اول: نفرین قصر)

..... نویسنده: ناتسو هیوگا • مترجم: اکرم شکرزاده
..... تصویرگر: نکوکوریج • ویراستار: سمیه شکرزاده
..... ناشر: نگاه آشنا • طراحی جلد: مجید غلامحسینی
..... صفحه آرا: زیبا کتاب • تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
..... شمارگان: ۵۰۰ نسخه • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۷۵-۲
..... شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۷۶-۹

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و هرگونه خرید و فروش بامترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سرشناسه: هیوگا، ناتسو Hyuga, Natsu

عنوان و نام پدیدآور: خاطرات یک داروساز / نویسنده ناتسو هیوگا؛ مترجم اکرم شکرزاده؛ تصویرگر نکوکوریج؛ ویراستار سمیه شکرزاده.

مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۳. / مشخصات ظاهری: ج: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: دوره ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۷۶-۹؛ ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۷۵-۲؛ ج: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۷۵-۱.

وضعیت فهرست نویسی: فیفا / یادداشت: = The Apothecary Diaries

مندرجات: ج. ۱. نفرین قصر.

موضوع: داستان های نوجوانان ژاپنی -- قرن ۲۱ م. / داستان ها، مجله ها، و فکاهیات تصویری -- ژاپن

شناسه افزوده: شکرزاده، اکرم، ۱۳۶۲-، مترجم / شناسه افزوده: نکوکوریج، ۱۹۸۷- م.

رده بندی کنگره: PL۸۷۴/۵

رده بندی دیویی: ۸۹۵/۶۳۶ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۴۶۹۰۳

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴ ① ۰۲۵-۳۲۹۲۴۵۸۳











کمیکی برای
دختران و
پسران



خیلی از
خدمتکاران
اندرونی
سواد خواندن
ندارند



قبل از این که
وارد قصر
بشویم،
آداب اولیه
معاشرت
به ما
آموزش داده
شده است

باسواد
بودن
قضیه اش
کاملاً
متفاوت
است



فکر کنم تو
خوش بینانه ترین
حالت ممکن،
میزان دختران
باسواد روستایی
۵۰ درصد هم
نباشه



بین آن هایی
که بی سواد
هستند، چند
نفری موفق
شدند

به مقامی
بالتر دست
پیدا کنند و
همسر رده پایین
امپراتور
شوند. هر چند
تعدادشان کم
است، اما به هر
حال توانستند





خلاصه
این که

این جا
ظاهر آدم‌ها
همه چیزشان
است

ککومک

جذاب نبودن

به هر حال، دنیا
که بر وفق مراد
آدم نمی چرخه...

من که اصلاً
خودم رو
نمی‌بازم و
کم نمی‌آرم

صورتی پر از ککومک
و بدنی که هیچ
جذابیتی ندارد







راجبه
چی داری
حرف
می زنی؟

شایعه‌ای
دهان به دهان
در قصر امپراتور
می پیچید



تو
نمی دونی؟!



مرگ زنجیره‌ای
بچه‌های امپراتور
که تو اندرونی به
دنیا اومدن رو
می گم!













چون نوزاد
خودت دختره

می‌خواهی که
بچه من رو با
نفرین بکشی!

بانو لیهوا